

ادب‌آموزی به کودک از منظر روایات

زهرة درسنکار
عضو حلقه علمی بلاغ (خواهران)
دانش‌آموخته دوره عمومی تربیت مربی

چکیده: ثبات فرهنگی در هر جامعه از گذر پرورش صحیح نسل جدید و بهره‌گیری از آداب دینی تحقق می‌یابد. ادب در نوشتار پیش رو، به معنای ظرافت و لطافت و دقت در کارهاست و به تعبیر دیگر به معنای نگاه داشت حد هر چیز می‌باشد. عمل ظریف، نیز عملی است مشروع که منع تحریمی ندارد و اختیاری است. در این نوشتار همچنین به اهمیت ادب، علل و عوامل ادب‌آموزی و موانع آن پرداخته شده است. **کلیدواژگان:** ادب، تربیت، اهمیت ادب، روایات.

مقدمه

ادب ارزشی اخلاقی و اجتماعی است. ادب در هر کجا و هر که باشد، انسان را عزیز و دوست داشتنی می‌کند. همان‌گونه که علم با حلم، شجاعت با گذشت، ثروت با انفاق آراسته می‌گردد و ارزش پیدا می‌کند حسب و نسب نیز با ادب ارج می‌یابد. بی‌شک، داشتن شرافت نسب و اعتبار خانوادگی و جایگاه اجتماعی بدون ادب، مانند آرایشی سطحی بر چهره‌های زشت و کریه است. ادب، چنان با ارزش و گران‌قدر است که جزء حقوق فرزند بر والدین به‌شمار رفته است.

از امام کاظم علیه السلام چنین روایت شده است:

«جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ: تُحَسِّنُ اسْمَهُ

وَأَدَبُهُ وَصَغُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا^۱

مردی به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: این که نامی نیک برای او انتخاب کنی و تربیتش را نیکو گردانی و او را در جایگاه خوبی قرار دهی. و نیز از پیامبر ﷺ روایت شده که: «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نُحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»^۲ هیچ هدیه‌ای از طرف پدر به فرزند بهتر از حسن ادب و تربیت نیکو نیست.

هر پدر و مادری مایل است فرزندش را خوب تربیت کند، اما این تمایل کافی نیست. اولیاء و مربیان گرامی باید از مسایل تربیتی کودکان و روش‌های آن و شیوه تأثیر گذاری بر کودک اطلاع داشته باشند. در این راستا علاوه بر اطلاع و آگاهی از علوم روز، بهره‌گیری از سیره اهل بیت علیهم‌السلام ره‌گشا و راهبر است.

معانی اصطلاحی ادب و تربیت

الف) ادب

«ادب» در لغت و عرف در معانی مختلفی به‌کار رفته است. مانند: ظرافت و لطافت و دقت در کارها، اخلاق نیک و پسندیده، دانش و فرهنگ، نیرویی که دارنده‌اش را از ارتکاب بدی‌ها باز می‌دارد، کردار و گفتار شایسته و بایسته و متناسب با شی‌ءون انسان.^۳

استاد حسن‌زاده آملی در تعریف ادب می‌فرماید:

«ادب یعنی نگاه‌داشت حد هر چیز. به همین لحاظ، علوم ادبی را علوم ادبی نامیده‌اند چون حافظ و نگهدار حدود معارف مربوط به خودند و هر رشته‌ای از علوم ادبی، میزانی برای نگاه‌داشت حد معارف خود است...»^۴

علامه طباطبایی رحمته‌الله در این باره می‌نویسد:

«ادب، هیأت زیبا و پسندیده‌ای است که سزاوار است هر عمل مشروعی، چه دینی باشد مثل آداب دعا و چه عقلی باشد مانند دیدار دوستان، بر اساس آن انجام پذیرد. به تعبیر دیگر ادب عبارت است از: ظرافت عمل و عمل ظریف، عملی است که اولاً مشروع

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ترجمه علی اکبر غفاری، ج ۶، ص ۴۸.

۲. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۴، ص ۷۷.

۳. علی اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱، ذیل کلمه «ادب».

۴. حسن حسن‌زاده آملی، انسان و قرآن، ص ۵۳.

بوده و منع تحریمی نداشته باشد؛ پس در اموری مانند ظلم و دروغ و خیانت و کارهای قبیح، ادب معنا ندارد. ثانیاً اختیاری باشد؛ یعنی شخص با اختیار و آگاهی خویش آن را به صورتی محقق نماید که مصداق ادب باشد مثل آداب غذا خوردن، آداب نماز، آداب دعا و... که اسلام مشخص کرده است و در آموزه‌های اسلامی مندرج است.^۱

ب) تربیت

«تربیت» از ریشه «رب» به معنای پرورش دادن و اصلاح است.^۲ و از ریشه «ربو» به معنی فزونی یافتن؛ شخص و الامقام و زمین مرتفع^۳ به کار رفته است. و نیز تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رسیدن و شکوفا شدن استعدادهای انسان در جهت مطلوب. تعریف اخیر حاکی از این است که انسان، دارای استعدادهای نهفته‌ای است که تا تربیت صحیح نباشد مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند.

عبارت «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل» حاکی از این است که مربی، تنها زمینه شکوفایی استعدادهای تعلیم‌گیرنده را فراهم می‌کند و این خود فرد است که باید فعالانه در جهت مطلوب حرکت کند.^۴ در این جا باید این مطلب را یادآور شد که ادب، نتیجه تربیت صحیح فرد می‌باشد. به عبارت دیگر، ادب از ثمرات تربیت صحیح است. لذا ادب‌آموزی از مجرا و بستر تربیت صحیح دینی می‌گذرد.

جایگاه و اهمیت ادب

ارزش ادب چنان والا است که در معاشرت معیار رشد و شعور انسان محسوب می‌شود و ارزش هر کس به قدر ادب اوست؛ در واقع عیار سنجش قیمت انسانی افراد، ادب آنان است. لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اگر از عمرت دو روز باقی مانده باشد یک روزش را برای آموختن ادب و تربیت قرار ده تا روز مرگت از سرمایه‌های تربیتی آن کمک بجوئی.»
زبان ادب، همگانی و برای همه مردم قابل فهم است. ادب در حقیقت موجب احترام

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲. اسماعیل بن عماد الجوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، احمد بن منظور عطار، ج ۱، ص ۱۳۱، ۱۳۰.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۸۲ / الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، احمد بن منظور عطار، ج ۶، ص ۳۳۵-۳۳۴.

۴. اشرف حمیدی، تربیت سالم انسان سالم، ص ۲۵.

متقابل است و می‌تواند طبقات مختلف اجتماعی را به یکدیگر نزدیک کند. همه مردم می‌توانند به طور مساوی و بدون هیچ هزینه‌ای از آن بهره‌مند شوند. ادب مبارزات طبقاتی را کاهش می‌دهد و با داشتن آن فقیر و غنی و قوی و ناتوان می‌توانند رابطه داشته باشند. ادب بیشتر از تمام بیانیه‌های مربوط به حقوق بشر به مساوات و برابری کمک کرده است.^۱

بنابراین ارزش تعلیم و تربیت را نباید ناچیز شمرد، کوشش و فداکاری‌های پدر و مادر در راه تربیت فرزند از کار صدها مهندس و دکتر و دانشمند ارزان‌تر می‌باشد. اما با وجود اینکه پدران و مادران به طور طبیعی سعی دارند تا فرزندان خود را به شکل شایسته تربیت کنند و آنها را سعادتمند سازند، اما چنان که شاهدیم در جامعه بسیاری از فرزندان به دلیل برخوردار نبودن از تربیت صحیح گرفتار مشکلات اخلاقی شده و در نهایت به خود و جامعه ضررهای جبران ناپذیر وارد می‌سازند. این نکته نشان می‌دهد که تمایل پدر و مادر به تربیت فرزندان و سعادتمندی آنها کافی نیست، بلکه در مرحله اول خود پدر و مادر باید از اخلاق و تربیت درستی برخوردار باشند و در مرحله بعد با معنا و روش‌های یک تربیت صحیح آشنا باشند. نویسنده‌ای در این باره به مطلب مهمی اشاره کرده است.

«فردی که در تربیتش کمبودهایی وجود دارد با اقدام به تربیت فرزندش فقط اشتباهات خود را تکرار خواهد کرد.»^۲

بنابراین والدین باید آگاهی‌های لازم را در زمینه اخلاق و تربیت به دست آورند و رفتار خود را با ارزش‌های اخلاقی و تربیتی هماهنگ کنند. چرا که افکار، باورها و رفتار پدر و مادر به عنوان الگو، بسیار سازنده‌تر و مؤثرتر از نصیحت‌های گفتاری و توصیه‌های اخلاقی آنان است.

سن مناسب برای ادب‌آموزی

بهترین زمان برای تربیت و ادب‌آموزی به کودک، زمانی است که قلب و وجود او خالی از هر نقشی است. در این باره حضرت علی علیه السلام در سفارشی به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام به شرایط مستعد روح کودکان برای رشد و تکامل اشاره کرده می‌فرماید:

۱. آیین زندگی ص ۱۱۰؛ ر.ک: مریم ابریشم، پایان‌نامه ادب‌آموزی به کودک از منظر قرآن و حدیث.

۲. حبیب‌الله میرزایی، تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر، ص ۳۳.

«وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ»^۱

بی‌تردید دل کودک چون زمینی خالی آماده پذیرش هر بذری است که در آن افکنده شود، پس به تربیت تو شتافتم پیش از آن که دلت سخت شود و خاطرت به چیزی اشتغال یابد. امام علیه السلام در این نامه هشدار می‌دهند که اگر نسبت به تربیت کودکان کوتاهی ورزیده شود و جان تشنه آنان با قرآن و معارف الهی و فرهنگ پاک اهل بیت علیهم السلام سیراب نگردد، دچار سنگ‌دلی و نهایتاً گرفتار فرهنگ‌های شیطانی و مشغولیت ذهنی به امور باطل خواهند شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد:

«يَا بُنَيَّ إِن تَأَدَّبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا وَمَنْ عَنَى بِالأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ وَمَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ وَمَنْ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ أَدْرَكَ بِهِ مَنَفَعَةً فَاتَّخِذْهُ عَادَةً وَإِيَّاكَ وَ الكَسْلَ مِنْهُ وَ الطَّلَبَ بغيرِهِ»^۲

«فرزندم! اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره خواهی برد، فرزندم! هر که جویای ادب و معرفت باشد، در آن اهتمام می‌ورزد و هر که در این راه بکوشد برای ادب‌آموزی خود را به رنج و سختی اندازد و هر کس چنین کند در جست‌وجوی ادب و معرفت، شوق و همت والا پیدا می‌کند و چون چنین باشد سود آن را در یابد. پس ای فرزند! ادب‌آموزی را پیشه و سیره خود قرار ده و بر حذر باش از سستی و تنبلی در این راه و این که ادب را بگذاری و در پی چیز دیگر بر آیی.»

درخت تربیت به تدریج رشد و نمو می‌کند و در دراز مدت پر برگ و بار می‌شود. تربیت کودک، صبر و بردباری و دقت و هوشیاری و نظارت مستمر می‌طلبد. اما ثمری که در پی دارد آن چنان شیرین و مسرت بخش است که پدر و مادر را از همه تلاش‌هایی که در این راه کرده و می‌کنند راضی و خشنود می‌سازد.

همان‌طور که بیان گردید بهترین زمان برای تأدیب و ادب‌آموزی کودک زمانی است که روح و جان کودک آماده همچون زمینی حاصل‌خیز است. البته عوامل وراثت، محیط و... نیز در امر ادب و تربیت تأثیر شگرف و بسزایی دارد که نباید از آن غافل شد. در این جا باید این نکته را تذکر دهیم که ادب‌آموزی در دوران کودکی همان ادب

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷؛ ابو محمد حسن حرانی (حلبی)، تحف العقول، ص ۶۷.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴/۹.

تمرینی است که بر اثر تکرار و تمرین و ممارست و الگوگیری از محیط تربیتی نشأت می‌گیرد. اما برخی از خلق و خوی‌ها نتیجه وراثت می‌باشند. همچنان‌که پاکی و تقوا و فضیلت و انسانیت از طریق وراثت منتقل می‌شود، بی‌ادبی هم که شامل رذایل و آلودگی‌ها می‌باشد از طریق والدین به فرزندان به ارث می‌رسد.

الف) حفظ تمدن بشری^۱

به وسیله ادب و تربیت است که تمدن بشری باقی می‌ماند و هر نسل می‌تواند از نتایج زحمات چندین ساله نیاکان خود استفاده کنند. لذا تربیت برای حفظ تمدنی که قبل از ما بوجود آمده لازم است. چرا که وسیله‌ای مؤثرتر و بهتر از تربیت، برای ترقی و سوق دادن جامعه و زندگی به سوی بهبودی وجود ندارد. از سوی دیگر در جهان متمدن نیز هزاران نقص و عیب وجود دارد که رفع آنها جز از راه تربیت صحیح مقدور نیست. تمدن بشری میراثی اجتماعی است که بشریت در بدست آوردن آن تلاش کرده و سالیان بی‌شمار در نگهداری آن کوشیده است. این جز به وسیله تربیت و ادب از نسلی به نسل دیگر انتقال نیافته است.

ب) طی کردن مسیر تکامل^۲

اهمیت تربیت در این است که در سایه آن آدمی می‌تواند انسانی حقیقی گردد، صفاتی در او ایجاد گردد و صفاتی از او زایل شود. به وسیله تربیت جوهره درونی انسان کشف و قوای او نیرومند می‌گردد. تربیت، آدمی را فردی خلاق و مبتکر و مولد می‌گرداند، راه‌های فساد را بر آدمی سد می‌کند، نیروی اراده قوی، فکر سلیم و زمینه‌های تعقل، تعلم، تدبیر و تحقیق را ایجاد می‌کند.

در سایه تربیت صحیح، آدمی فرشته خوی می‌گردد. از این رو اگر انسان‌ها مباحث تربیتی را به درستی بشناسند و اهداف تربیت را مدنظر قرار دهند و با روش‌های صحیح تربیتی آشنایی پیدا کنند در آن صورت می‌توانند خود، خانواده و جامعه خویش را تربیت کرده به سوی خوبی‌ها سوق دهند و به این ترتیب همواره به سوی تکامل، ترقی و پیشرفت در حرکت باشند و عقب ماندگی، شکست، ذلت و خواری و مفساد اجتماعی را از خود دور سازند. تربیت، عامل رشد و پرورش روح و جسم و ایجاد

۱. باقر شریف قریشی، نظام تربیتی اسلام، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۳-۱۲.

شخصیت و اعتماد به نفس و... در انسان می‌گردد.

ج) کسب استقلال و آزادی^۱

هر قدر انسان آگاه‌تر و دارای بینش عمیق‌تر گردد از قدرت انتخاب و گزینش صحیح‌تری برخوردار خواهد شد و راه زندگی و خوشبختی مناسب‌تری را انتخاب خواهد کرد. هر انسانی که نسبت به سرنوشت خود با آگاهی و مسئولیت عمل کند، انسانی است آزاده و مستقل نه برده و مجبور، این مهم به دست نمی‌آید مگر در پرتو تربیت و ادب‌آموزی صحیح.

د) روابط انسانی^۲

بسیارند کسانی که دارای تخصص و مهارت هستند و آن را صرفاً در منافع شخصی و راه‌های غیر انسانی به کار می‌برند. موجب نابسامانی در روابط انسان‌ها می‌گردند و حسادت و بخل، ریا و تزویر، بدبینی و حيله‌گری را رواج می‌دهند. داشتن مهارت لازم است، اما کافی نیست. مهم این است که انسان چه رابطه‌ای با هم‌نوع داشته باشد. ایجاد رابطه انسانی سالم که به ما نشاط و شادی و سلامتی روان ببخشد و باعث شکل‌گیری دوستی و احترام به یکدیگر شود و صداقت، مسئولیت، همدلی و رعایت حقوق انسان‌ها را گسترش دهد، جز از راه تربیت صحیح و ادب‌آموزی در سایه معارف دینی امکان‌پذیر نیست.

ز) اهمیت اقتصادی

یکی از منابع اصلی هر جامعه برای سامان دادن به وضعیت اقتصادی خود نیروی انسانی ماهر است. نیروی انسانی ماهر در پرتو تربیت صحیح رشد می‌کند. اینان می‌توانند از منابع طبیعی و ثروت‌های مادی جامعه استفاده بهینه بنمایند و باعث رونق اقتصادی جامعه گردند.

ویژگی‌های ادب

(۱) ادب، گستره‌ای وسیع و همه‌جانبه دارد؛ در باب ادب‌آموزی سن خاصی مطرح

۱. همان، ص ۱۳.

۲. همان.

نیست هر چند همان‌طور که بیان گردید، تربیت اثرگذار باید از زمان طفولیت و حتی قبل از آن آغاز گردد. امروزه برخلاف گذشته مدرسه و آموزشگاه تنها به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادب‌آموزی فرزند مطرح هستند. هر عاملی مهم و قوی تلقی می‌گردد، اما در کنار مدرسه وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها مانند؛ تلویزیون، ماهواره، اینترنت، و عوامل دیگر، در شکل‌دهی به وضعیت تربیتی کودکان و نوجوانان یک جامعه نقش ایفا می‌کند.

مسئله بعدی، گستره تربیت است. در گذشته معمولاً تنها بعد هوش و حافظه و تا حدودی بعد بدنی و احیاناً اخلاقی کودکان و نوجوانان در امر تربیت مدنظر بوده در حالی که امروزه تربیت کامل افراد مدنظر می‌باشد و تلاش می‌گردد ابعاد مختلف جسمی، روحی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی افراد مورد توجه اولیاء و مربیان قرار گیرد.^۱

۲) معمولاً تأدیب از ناحیه افراد بزرگسال نسبت به افراد خردسال و از نسل بالغ نسبت به نسل نابالغ صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر از سوی فردی بر فرد دیگر اعمال می‌شود. در پی این انتقال قدرت آگاهی نسل نابالغ در زمینه‌های مختلف، نظیر: جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، پیشرفت و تکامل می‌یابد و از طریق تقویت قدرت تفکر در افراد، آنها را در جهت برخورد با مشکلات آماده می‌نماید.

۳) تربیت و ادب امری آگاهانه و هدفدار است. هدف مورد نظر از تربیت، با توجه به طرز فکر مکتب، مذهب و فلسفه حاکمان و باورهای خانواده‌ها معین می‌گردد. لذا آداب در مکاتب و مذاهب و ملل تا حدودی متفاوت است.

۴) تربیت و ادب‌آموزی حرکتی دائم، مستمر و بی‌پایان است.^۲

۵) گاه توسط فرد و گاه توسط دیگران صورت می‌پذیرد.

۶) عملی است آگاهانه که از روی علم صورت می‌گیرد.

۷) به آرامی پیشرفت می‌کند و هر نسل ذخایر علمی و تجربی خویش را بر آن اضافه می‌افزاید.^۳

۱. حسن ملکی، مبانی و اصول تربیت، ص ۱۶ و ۱۷ و رجوع کنید به «در معنی و حدود علوم تربیتی»، تألیف کاستون میلاره، ترجمه دکتر کاروان.

۲. همان، ص ۱۸ و ۱۹.

۳. همان، ص ۱۶ و ۱۷.

راهکارهای تربیتی اسلام «ویژگی‌ها و شرایط ادب آموز»

– هماهنگی پدر و مادر در کانون خانواده؛

هماهنگی بین والدین، در کانون خانواده حرف اول را در تربیت فرزند می‌زند. در مسائل تربیتی می‌بایست اول خود والدین هماهنگ باشند تا اثرگذار شوند. نباید پدر کاری را خوب و مادر آن را بد بداند، پدر تنبیه کند و مادر دل‌سوزی و محبت. بچه در اثر چنین برخوردی کاملاً دو شخصیتی شده و از این نقطه ضعف به عنوان حربه‌ای برای منافع خود استفاده می‌کند و سهل‌انگار و بی‌توجه بار خواهد آمد. این آفت تربیتی متأسفانه در اکثر خانواده‌ها به چشم می‌خورد. کودک با این حربه همیشه راه فراری می‌یابد تا بر کارهای زشت خود سرپوش گذارد.

– تربیت و ادب‌آموزی از راه عمل؛

امامان معصوم علیهم‌السلام همیشه تأکید داشتند که از راه عمل، بچه‌ها و مردم را هدایت کنید چرا که تأثیر بیشتری دارد. برخی پدر و مادرها حرف‌های بسیار خوب و زیبایی می‌زنند اما خود در عمل به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند:

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» مردم را به غیر زبانتان (با رفتار) به خوبی دعوت کنید.^۱

همچنین آن حضرت در فرازی دیگر فرمودند:

«مَنْ صَدَقَ لِسَانَهُ زَكَاةَ عَمَلِهِ» هر که راستگو باشد عملش منزه خواهد شد.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند:

«هر کس هدایت و ارشاد مردم را به عهده می‌گیرد باید پیش از آنکه به تربیت دیگران بپردازد، خویشتن را بسازد و تربیت دیگران را ابتدا باید به وسیله عمل و رفتار، آنگاه با زبان و گفتار انجام دهد.»^۳

بنابراین پدر و مادری که خود دروغ می‌گویند، غیبت می‌کنند، مال حرام می‌خورند، بداخلاقی می‌کنند، خلف وعده می‌کنند، فحش می‌دهند و... نمی‌توانند فرزندان را راستگو، خوش قول، درستکار، مهربان، خوش اخلاق، با ایمان و... پرورش دهند. چرا

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، حدیث ۱۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۴، حدیث ۱.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲ ص ۵۶.

که، فرزندان آینه تمام نمای والدین هستند و خاصیت آینه این است که آنچه در او می‌افتد همان را نشان می‌دهد، زشت باشد یا زیبا، خوب باشد یا بد. به همین دلیل گفته شده است: اول فرزندت را به من نشان بده تا بگویم تو که هستی!

- احساس کرامت؛

احساس کرامت مهم‌ترین راه‌کاری است که انسان را مسئولیت‌پذیر و متعهد می‌نماید. کرامت نفس، پاسدار ارزش‌های انسانی است و کسی که ارزش انسانی خود را شناخت از آن پاسداری خواهد کرد. اصل کرامت یعنی برتر بودن. و کریم بودن مهم‌ترین اصلی است که ضامن و پشتوانه روحی و اخلاقی آدمی قرار می‌گیرد. لذا ائمه اطهار علیهم‌السلام بر شناخت قدر و ارزش نفس تأکید فراوان دارند و آن را بالاترین و پرسودترین شناخت‌ها می‌دانند.

حضرت علی علیه‌السلام در این باره فرمودند:

«معرفة النفس أنفع المعارف»^۱ شناخت نفس سودمندترین معرفت‌هاست. حضرت در کلامی برای انسان این جهل را کافی می‌دانند که قدر خود را نشناسد. «الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَّةَ بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ» دانشمند کسی است که قدر خود را بداند و در جهالت انسان همین بس است که قدر خود را نشناسد. انسان اگر قدر و منزلت خویش را نشناسد خود را به بهای اندک می‌فروشد. والدین باید برای کودکان خود ارزش قایل شوند و این احساس را تقویت نمایند. از جمله اصولی که روانشناسان برای تربیت مطرح می‌کنند اصل عزت نفس است که در تفکر اسلامی با اصل کرامت نفس بسیار نزدیک است. شاید بتوان گفت عزت نفس زیرمجموعه کرامت نفس است، و عزت در بستر کرامت به وجود می‌آید.

- بازی با کودک؛

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودک‌کی باید گشاد یکی دیگر از راه‌های اظهار محبت پدر و مادر به فرزند این است که با در نظر گرفتن موقعیت سنی کودک وسایل بازی و سرگرمی متناسبی برای او تهیه کند. به علاوه شایسته است گاهی نیز با کودک هم‌بازی شوند زیرا مشارکت والدین در بازی فرزندان اگر چه اندکی وقت آنها را می‌گیرد اما آثار بسیار خوبی دارد.

۱. محمد دشتی، نهج البلاغه، کلمات قصار.

پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت علیهم السلام ضمن تأکید و سفارش بر این مسئله، خود با فرزندان خویش بازی می‌کردند و یا بر بازی آنان نظارت می‌نمودند و کودکان را مورد تشویق قرار می‌دادند تا جایی که حضرت رسول ﷺ در این باره فرمودند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ»^۱ هر کس کودک داشته باشد باید با وی کودکانه رفتار نماید.

- محبت؛

تعدیل شخصیت کودک در فضای سرشار از مهر و عاطفه و محبت امکان‌پذیر است. محبت و عاطفه مانع به وجود آمدن عقده‌های روانی، کم‌خوابی، بی‌خوابی، اضطراب و دلهره، وسواس، عدم اعتماد به نفس، انزواطلبی و گوشه‌گیری و کم‌رویی و پرخاشگری می‌گردد. عواطف و احساسات بذری است که در سرشت افراد افشاندن شده است و تمایلات عاطفی معمولاً از هفته‌های اول و شاید از روزهای اول زندگی به صورت پراکنده ظاهر می‌شود و تا پایان عمر باقی می‌ماند.

رسول اکرم ﷺ، بهترین مربی درس‌های تربیتی به بشریت، همواره کودکان را مورد عطوفت خاص خود قرار داده و آنها را بسیار دوست می‌داشت و به مهربانی به کودکان سفارش می‌فرمود. حضرت در بیانی می‌فرماید: «کودکان را دوست بدارید و با مهربانی با آنان رفتار نمایید»^۲

و نیز امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ»^۳ خداوند بزرگ به انسان به خاطر شدت علاقه و دوستی به فرزندش رحم می‌کند.

- آگاهی؛

یکی از مهم‌ترین و مشکل‌ترین وظایف اخلاقی پدران و مادران از بین بردن زمینه‌های انحراف و فساد اخلاقی در فرزندان است. زیرا هیچ آتشی سوزنده‌تر از فساد اخلاقی و انحراف، یک محیط سالم را از بین نمی‌برد، و از آنجایی که زمینه فساد و انحراف در فرزندان به دلیل کم‌تجربگی و ناآگاهی و روحیه خاص نوجوانی و جوانی، بیشتر

۱. شیخ حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۸۵، ص ۲۰۳؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۲.

۲. شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۲۰؛ شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹.

۳. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹.

است، پدران و مادران آگاه و هوشمند باید بکوشند موانع زندگی سالم را از پیش پای آنها بردارند و اجازه ندهند فطرت‌های پاک و دست نخورده فرزندان به ردائل اخلاقی و مفاصد اجتماعی آلوده گردد. بدین منظور علاوه بر اینکه باید والدین به مسائل و مشکلات جسمی و روحی و نیازهای فرزندان آگاه باشند، باید از چنان سعه صدری برخوردار شوند که فرزندان هیچ‌گونه جدایی بین خود و پدر و مادر احساس نکنند و مشکلات خود را پیش از آنکه خسارتی جسمی و روحی به بار آورد، با والدین خود در میان بگذارند. طبیعی است که والدین نیز باید از مطالعه کتاب‌های تربیتی و اخلاقی غافل نمانند و همیشه چند قدم جلوتر از نیازهای جاری حرکت کنند و پشتیبان و پناهگاه واقعی نونهالان زندگی خود باشند.

- رعایت عدالت و مساوات بین کودکان؛

یکی دیگر از وظایف متولیان امر تربیت، رعایت عدالت و مساوات بین کودکان است. اعتدال شخصیت از مهم‌ترین نتایج رفتار عادلانه است. رفتار عادلانه باعث رشد و تکامل صحیح کودک خواهد شد و در مقابل رفتار ناعادلانه بین فرزندان، زمینه کینه، عقده، خشم و بی‌مهری را در جان کودک به وجود می‌آورد.

رسول خدا ﷺ نسبت به تبعیض قایل شدن بین دختر و پسر بسیار حساس بودند. در این باره نقل شده است که روزی پیامبر ﷺ گرم سخن گفتن با یاران بودند. پسر بچه‌ای آمد و به نزد پدرش رفت. پدر دستی به سر او کشید و او را بر روی زانوی راست خود نشاند، اندکی بدین حال بود که دختر خردسال آن مرد نیز آمد و پدر دستی بر سرش کشید و در کنار خود روی زمین نشاند. در این جا بود که پیامبر ﷺ فرمودند: چرا او را بر روی زانوی چپ خود ننشاندی؟ «آن مرد که به رفتار نادرست خود پی برد به دستور پیامبر عمل کرد و دخترش را بر روی زانوی دیگر نشاند و رسول خدا فرمودند: «الآن عدالت را رعایت کردی.»^۱

- تمرین عادات نیکو؛

تمرین و تکرار، تلفیقی از اصول اساسی رشد هستند که باید همزمان اجرا شوند تا تأثیر خود را نشان دهند. ترک سرزنش و ملامت کودک از راه‌های بوجود آوردن روحیه

۱. علی‌بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۵؛ شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰ با اندکی تفاوت.

پذیرش است که والدین می‌بایست به آن توجه کنند. در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها می‌فرمودند که حسن و حسین علیهما السلام بهترین جوانان اهل بهشتند.^۱ و باز می‌فرمودند: هیبت و سیادت خود را به حسن علیه السلام و شجاعت وجودم را به حسین علیه السلام دادم.^۲ با تلقین می‌شود تمام صفات نیک را در وجود کودک نشانند و صفات منفی را ریشه کن کرد.

- مراقبت دائمی؛

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مقداری شیر در ظرفی ریختند. امام حسن علیه السلام تقاضا کردند و حضرت شیر را به وی دادند. امام حسین علیه السلام بلند شد تا ظرف را از برادر بگیرد اما پیامبر صلی الله علیه و آله مانع شدند، در این حال حضرت زهرا علیها السلام فرمودند یا رسول الله صلی الله علیه و آله حسن را بیشتر دوست دارید، حضرت فرمودند نه، او زودتر تقاضا کرده بود و بچه‌ها باید یاد بگیرند حق تقدم را رعایت کنند. لذا والدین باید دقت فراوانی در برخورد با فرزندان داشته باشند چراکه کوچک‌ترین عمل والدین چه خوب چه بد تأثیر عمیقی بر روان کودک خواهد گذاشت.^۳

- موانع و آفات ادب

ادب سرمایه‌ای است که در هر کس باشد، صفات و امتیازات فراوانی را به همراه می‌آورد. آدمی با داشتن ادب از افتخارات پدران و نیاکان بی‌نیاز می‌شود. اساس شخصیت معنوی انسان بر پایه ادب مستقر شده و تأثیرپذیری این موضوع به خصوص در محیط خانواده بیش از هر جا محسوس است. در این بخش به برخی از موانع تربیت و ادب‌آموزی فرزندان اشاره می‌کنیم؛

- تبعیض
- مقایسه کردن
- کتک زدن
- تحقیر کردن
- کلی‌گویی و نادیده گرفتن خوبی‌ها
- ترساندن کودک

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۴۴.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۲۹۵.

۳. همان، ص ۳۰۹.

- عدم تعادل در رفتار و گفتار

- ملامت و عتاب

راه‌کارهای جلوگیری از رفتارهای نامطلوب در کودک

۱. تقویت حس اعتماد به نفس؛

از جمله راه‌های جلوگیری از ارتکاب کارهای ناشایست در کودک، دادن حس اعتماد به نفس و ایجاد رضایت از خود می‌باشد. می‌توان با دادن مسئولیت‌هایی در خور سن کودک او را به فعالیت واداشت و یا حتی با چشاندن طعم شکست و پیروزی و تحریک او از این طریق به فعالیت و مبارزه، روح اعتماد و اتکاء به نفس را در او به وجود آورد. باید به کودک اجازه ابراز وجود حتی با کوچک‌ترین چیزها را داد.

۲. رفتار حساب شده والدین در مقابل خطای فرزند؛

کودکان نیز همچون دیگر انسان‌ها دچار اشتباه و خطا می‌شوند، با توجه به حساسیت کودکان اگر پدر و مادر تخلفاتی مثل دزدی‌های کوچک و شیطنت‌آمیز، دیگر آزاری، دروغ و... در کودک مشاهده کردند نباید آن را بسیار جدی گرفته و جلوه بسیار زشتی به آن بدهند و با تمام وجود به کودک بقبولانند که این کار زشت از او سرزده، بلکه باید آن را در حد یک اشتباه و خطای غیر عمدی از کودک ببینند اما سعی برای یافتن ریشه این خطاها در رفتار کودک تلاشی نکنند و از نشان دادن رفتار خشونت‌آمیز در مقابل هر خطای کوچکی که از کودک سر می‌زند پرهیز کنند. چرا که شاید در ظاهر به مدت کوتاهی بتوان با ایجاد وحشت جلوی بعضی از تخلفات را گرفت ولی در باطن ایجاد وحشت ریشه تخلفات را قوی‌تر می‌سازد و نتیجه آن می‌شود که عمل خلاف در خفا و با ولع و شدت بیشتری انجام پذیرد. هرگز نباید کودک را عاصی، دزد و دروغگو خطاب کرد زیرا کودکان بسیار حساس هستند و این احتمال وجود دارد که این توهم در آنها به وجود آید که واقعاً دزد و دروغگویند.

۳. ابراز علاقه والدین؛

ابراز علاقه و محبت از سوی والدین در آرامش روانی کودک و دوری او از رفتارهای نامطلوب بسیار مؤثر است. البته این ابراز علاقه و محبت در کودکانی که به طور متعادل بزرگ می‌شوند و مشکل خاصی ندارند و کودکانی که در اثر عقده‌های روانی نیاز به

معالجه دارند و یا رفتارهای نامطلوب متعددی از ایشان سر می‌زند، متفاوت است. در کودکان عادی زیاده‌روی در محبت منجر به لوس شدن کودک می‌گردد در حالی که در کودکانی که از مشکلات عاطفی و عقده‌های روانی و کمبود محبت رنج می‌برد ابراز محبت (نه زیاده‌روی) اثر خوبی خواهد داشت.

۴. دادن آزادی به کودک در محیط خانواده؛

والدین نباید غافل از تأثیرات محیط، کودکان خود را با آزادی مطلق در محیط خانواده تربیت کنند، تا وقتی فرزندشان وارد محیط اجتماع شد به سهولت در دام‌های سر راهشان گرفتار نشود. زیرا اولاً آزادی‌های مطلق، خانواده آنها را به بی‌بند و باری سوق می‌دهد و ثانیاً در اثر عدم اطلاع از نابسامانی‌های جامعه خیلی آسان به دام انحراف کشیده می‌شوند.

بنابراین والدین باید کنترلی منطقی بر آزادی‌های خود داشته باشند. البته نباید کودک را چنان در حصار قرار دهند که حتی در سنین جوانی هم احساس وابستگی مطلق به والدین داشته باشند، به گونه‌ای که نتوانند روی پای خود بایستند. یا به افرادی کاملاً مطیع و بی‌اراده تبدیل گردند. این محدودیت‌ها در مورد دختران که مسئولیت تربیت فرزندان را در خانواده بر عهده خواهند داشت، دارای مضرات بیشتری است.

۵. توجه به سلامت روانی کودک؛

والدین بر اثر مشکلات زندگی و برای تأمین نیازهای مالی خانواده، گاه ضرورت انجام تفریحات سالم را نادیده می‌گیرند و حتی در مورد کودکان خود نیز سهل‌انگاری می‌نمایند. کودکان مثل بزرگ‌ترها و بیشتر از آنها نیاز به گردش و بازی و تفریح دارند. زیرا بیشتر مشکلات روانی کودک به وسیله بازی و تفریح حل می‌شود. همچنین می‌توان از راه بازی و گردش و تفریح به کمبودها و احیاناً عقده‌های روانی کودک پی برد و درصدد رفع و اصلاح آنها برآمد.

۶. تأثیر محیط در امر ادب و تربیت؛

برای جلوگیری از رفتارهای نامطلوب باید زمینه این رفتارها را از زندگی کودک حذف کرد و او را در محیطی از هر جهت سالم قرار داد. در واقع عامل محیط در موجودات زنده تأثیر گذار است. کودک را که می‌توان در یک محیط سالم خانوادگی

و اجتماعی به سهولت و به طور مثبت تربیت کرد اما در یک محیط ناسالم امر تربیت صحیح وی با دشواری‌هایی روبروست.

نتیجه

والدین در پیشگاه خدا و جامعه مسئولیتی بزرگ دارند. زیرا بسیاری از حالت‌های ناشی از تربیت خانوادگی همواره در افراد باقی می‌ماند و تغییر آنها با دشواری‌های فراوانی امکان‌پذیر است. کودکی که به دنیا می‌آید به صورت بالقوه کامل‌ترین و عالی‌ترین امکانات لازم برای رشد را داراست. وی آمادگی دارد که به شایسته‌ترین شکل پرورده شود و سیر تکاملی خویش را طی نماید. بهترین مدرسه برای فرزندان خانه است بدان شرط که والدین در آن درس شرافت، فضیلت و اخلاق و ادب را به فرزندان بیاموزند و به پرورش آنها براساس ضوابط عقلی و شرعی اهتمام ورزند. خانواده همانند ظرفی است که در آن اخلاق و ادب و مقدرات آینده طفل شکل می‌گیرد. سرمشق‌های دوران طفولیت برای همیشه در ذهن فرزندان می‌مانند، همانند کلماتی که بر روی سنگ حک شده باشند. همه قوانین و خوبی‌ها و بدی‌های جامعه از خانواده ناشی می‌گردد. خانواده که تغییر کند هسته اصلی جامعه تغییر خواهد کرد. مؤثرترین راه برای تحول و ارتقاء فرهنگ دینی در جامعه، ارتقاء فرهنگ دینی خانواده‌هاست. از این دید والدین باید مظهری از مکتب و تعالیمی باشند که خواستار پرورش طفل بر آن اساس اند و این امکان‌پذیر نمی‌شود مگر با توجه به سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام. در پایان باید بدانیم تمام آنچه به عنوان عوامل مؤثر در تربیت گفته شد، زمانی کارایی دارند که همه آنها و در کنار هم و بدون افراط و تفریط اعمال گردند، و تنها در این صورت است که می‌توان به نتیجه مطلوب و دلخواه رسید.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. ترجمه‌ی محمد دشتی، مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
۳. احمدبن حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۵. افروز، غلامعلی، چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی کاربردی، سازمان انجمن و اولیاء و مربیان، بی‌تا.
۶. امینی ابراهیم، فاطمه زهرا علیها‌السلام بانوی نمونه اسلام، شفق، قدس، ۱۳۷۸ ش.
۷. احمدی، علی اصغر، روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلام، امیرکبیر، ۱۳۶۸ ش.

۸. بیابانگرد، اسماعیل، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، با مقدمه غلامعلی افروز، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۹. الجوهری اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، احمد بن منظور عطا، دارالعلم بیروت، چاپ چهارم، بی تا.
۱۰. حجتی، محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ ۱۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. حرانی ابو محمد، تحف العقول، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری، چاپ سوم، اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
۱۲. حمیدی اشرف، تربیت سالم انسان سالم، سرمدی، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ناشر امین، ۱۳۶۹ ش.
۱۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. شیخ کلینی، اصول الکافی، ترجمه‌ی جواد مصطفوی، الجزء الاول، علمیه اسلامیة، بی تا.
۱۶. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، سنن النبی ﷺ، ترجمه‌ی محمد هادی فقیهی، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۷. طبرسی، مستدرک الوسائل و المستنبط المسائل، ترجمه‌ی محقق نوری، چاپ اول، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، مؤسسه اعلمی، تهران، بی تا.
۱۹. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ترجمه‌ی شیخ عبدالکریم الرمانی شیرازی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۰. قریشی، باقر، نظام تربیتی اسلام، فجر، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، چاپ دوم، مؤسسه دارالحجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. کریمی، عبدالعظیم، اثرات پنهان تربیت آسیب زاه، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. کتابچی، محسن، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا علیه السلام، الف، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. لباف، فریبا، حقوق فرزندان از نظر قرآن و سنت، زهد، ۱۳۸۵ ش.
۲۵. ملکی، حسن (قاسم)، مبانی و اصول تربیت، نیاکان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. معین، فرهنگ فارسی، چاپ اول، بهزاد، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. المعطوف لوییس، المنجد، مترجم محمد بندر ریگی، چاپ چهارم، ایران، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.